



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتمال جامع علوم انسانی

تأملات آینده‌پژوهانه در آرمانشهر مهدوی تبیین کارکردهای آینده‌پژوهانه‌ی مهدویت

سعید قربانی*

چکیده

آینده‌پژوهی، دانش-فناوری^۱ نوپدیدی است که دستاوردهای بسیار با اهمیت و راهبردی برای کشورها و جوامع به همراه داشته و به یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیستمی و کل‌نگر در عرصه‌های سیاست‌گذاری، تصمیم‌سازی و راهبردنگاری تبدیل شده است. هم‌اینک تلاش‌ها و مطالعات گسترده‌ای درون حلقه‌ی بسته‌ای از کشورهای قدرتمند به منظور کسب مزیت‌های پایدار رقابتی و سیاسی و نیز مدیریت فاعلانه و پیش‌دستانه بر جهان صورت می‌گیرد. پروژه‌هایی همچون جهانی‌سازی و اندیشه‌هایی همچون هزاره‌گرایی رهاورد چنین تلاش‌هایی است. از این رو، رقابت در این زمینه بازیگرانی را در سطح جهانی پدید آورده که از گرایش‌ها و اهداف متعدد و گاه متعارض برخوردارند و این رویداد بر اهمیت دستیابی به رویکردهای توانمندتر در عرصه آینده‌پژوهی می‌افزاید. منظومه‌ی فکری و فلسفی اسلام و به شکل ویژه منابع علمی و معتبر شیعی از توان بالاتری در تبیین راهبردی‌ترین مسائل در حوزه‌ی آینده‌اندیشی برخوردار است. یکی از بسترهای غنی و متعالی در این منظومه، اندیشه‌ی مهدویت و اعتقاد به آرمان‌شهر مهدوی است. ارزشمندی این موضوع زمانی آشکار می‌شود که بدانیم اعتقاد به منجی آخرالزمان، مطلوب تقریباً تمامی ادیان الهی و بشری بوده اما ظرفیت بهره‌مندی کامل و جامع از آموزه‌های وحیانی و تفکر آینده‌نگرانه‌ی مبتنی بر وحی، جز در تشیع و آموزه‌های وحیانی مهدویت، در توان دیگر ادیان و نحله‌ها نیست. پس، جا دارد تا بررسی‌های متقن و جامعی در نظام آینده‌پژوهانه‌ی مهدویت صورت گیرد. از این رو، در این نوشتار تلاش خواهد شد تا طی یک بررسی تحلیلی بر روی منابع معتبر شیعی در زمینه‌ی مهدویت، کارکردهای آینده‌پژوهانه‌ی مهدویت مورد شناسایی و واکاوی عمیق‌تر قرار گیرد. این پژوهش در حیطه مطالعات راهبردی شکل گرفته و قلمرو تحقیق در محدوده مباحث علم‌شناسی فلسفی مشتمل بر ابعاد پنج‌گانه‌ی معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، هستی‌شناسی، ارزش‌شناسی و نشانه‌شناسی خواهد بود.

واژگان کلیدی: آینده، آینده‌پژوهی، مهدویت، آرمان‌شهر مهدوی، کارکردها.

* استادیار دانشگاه مالک اشتر

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۶/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۸/۲۴

پست الکترونیکی نویسنده: sgh14@yahoo.com

مقدمه

یکی از محورهای بسیار با اهمیت و بنیادین در نظام فکری و فلسفی ادیان الهی در طول تاریخ، همانا ایمان به غیب و امور به ظاهر نادیدنی در عالم وجود بوده و هست. در واقع، هسته‌ی اصلی و جوهره‌ی آموزه‌های ادیان آسمانی همواره بر ایمان به غیب استوار بوده است. یکی از مصادیق بارز این موضوع، ایمان به زنده بودن انسان‌های برگزیده‌ی الهی همچون حضرت مسیح(ع) در آیین مسیحیت و زنده بودن پیامبران(ع)، امامان معصوم(ع)، شهدا و اولیای الهی در اسلام و به ویژه مکتب تشیع است. بدین ترتیب، مصداق روشن انسان کامل و غایب از نظر که روزی ظهور خواهد کرد و برپاکننده نظام عدل و نیکی‌ها و پایان دهنده به شرور خواهد بود، قدر مشترک تمامی ادیان آسمانی است و هر کدام از آیین‌های توحیدی آن را با عنوانی خاص همچون سوشیانت، میتریه و نظایر آن معرفی نموده‌اند. شیعه معتقد است که انسان کامل و آخرین ذخیره‌ی الهی، هم‌اینک زنده و از دیدگان غایب است اما در آینده‌ای نامعلوم ظاهر خواهد شد، گرچه برخی از پاکان و اولیای الهی همواره توفیق تشرف به حضور ایشان و دیدارشان را داشته و دارند.

نظام فلسفی ایمان به انسان کامل و آخرین ذخیره‌ی الهی در مکتب تشیع یا همان مهدویت، در برگرفته آموزه‌های بسیار غنی و سازنده‌ای برای تفکر آینده‌نگر بوده و هست، تا حدی که با تفکر و تعمق اندیشمندانه در این نظام پویا می‌توان بهره‌های ارزشمندی در شناخت خطوط کلی نظام آینده‌نگری اسلام و مبانی آن به دست آورد، و این واقعیتی است گران بر نظام‌های معارض و غیرهمسو با آرمان‌های متعالی اسلام. زیرا به خوبی می‌توان مشاهده نمود که در سطح جهانی تلاش‌های گسترده‌ای صورت می‌گیرد تا اندیشه‌ی آسمانی مهدویت، با تکنیک‌ها و ابزارهای هنری و رسانه‌ای و توسل به روش‌های علمی و آینده‌نگر که کارکرد سلبی دارند استحاله گشته و یا به محاق فراموشی سپرده شود.

بدین ترتیب، هدف از این پژوهش، بررسی و شناسایی خطوط کلی آموزه‌های مهدویت در قلمرو آینده‌پژوهی است. این پژوهش در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است که بررسی آینده‌پژوهانه در عرصه مهدویت، چه دستاوردهای نظری و عملی ویژه‌ای برای ما در قلمرو پژوهش‌های آینده‌پژوهانه خواهد داشت؟

لازم به ذکر است که ورود در این بحث، به هیچ روی به معنای اثبات آموزه‌های والای مهدویت از منظر آینده‌پژوهی نیست زیرا مهدویت به جهت منشأ وحیانی‌اش، متعالی‌ترین اندیشه و نظام فکری بوده و هست. از این رو، پژوهش‌هایی از این دست پیش‌تر به دنبال ایجاد درکی بهتر از آموزه‌های مهدویت با زبان و بیان آینده‌پژوهی است.

ادبیات تحقیق

بنابر آنچه گفته شد، در آغاز بر اساس داده‌ها و یافته‌های پژوهش، گذری بر مفاهیم اولیه و مبانی نظری پژوهش خواهیم داشت، آنگاه به بررسی تحلیلی موضوع مورد بحث خواهیم پرداخت.

پیشینه‌ی آینده‌پژوهی

در طول تاریخ یکی از جذاب‌ترین گرایش‌های بشر، آگاهی بر آینده و اسرار غیب بوده است. از نخستین روزهای خلقت، تمام روش‌های پیش‌گویی با شیوه‌های گوناگون در پی ترسیم و تصویرسازی آینده بوده‌اند و مهم‌ترین راه‌های کسب معرفت پیرامون آینده از دیرباز تا به امروز مشتمل بر ستاره‌بینی^۱، پیش‌گویی^۲ و پیش‌نگری^۳ بوده است. به اعتقاد عنایت‌الله ستاره‌بینی از این حیث اهمیت داشته که بشر ارتباطی میان حرکات ستاره‌ها و زندگی انسان‌ها احساس می‌کرده و بر این باور بوده که میان آسمان و زمین نوعی هماهنگی و ارتباط وجود دارد. در واقع، ستاره‌بینی یک سیستم هشدار اولیه برای اجتناب از مخاطرات آینده و کنترل آن بوده است. (عنایت‌الله، ۲۰۰۷)

بل نیز معتقد است که نمونه‌هایی دیگر از روش‌های پیش‌بینی و غیب‌گویی^۴ مثل تعبیر خواب و رویا^۵، غیب‌گویی و آینده‌خوانی از روی شعله‌های آتش^۶، ترک برداشتن استخوان کتف حیوانات^۷ و بسته شدن شدن پنیر^۸ شناسایی شده است (Bell, 2003). گفتنی است که امروزه نیز بسیاری از افراد در سراسر جهان به این روش‌های سنتی همچنان پای‌بندند.

اولین نشانه‌های توجه عالمانه بشر به آینده را در عصر روشنگری می‌توان دید یعنی زمانی که بشر به این نتیجه رسید که علوم طبیعی برای هر مساله راه حلی خواهند یافت و حرکت عالمانه‌تر در عرصه‌ی آینده‌پژوهی از اوایل دهه‌ی بیستم آغاز گردید و پیش‌ران توسعه‌ی آن تجربیات دو جنگ جهانی اول و دوم بود. مطالعات این حوزه در طی دهه‌ی ۷۰ میلادی با تاسیس مجامع معتبر آینده‌پژوهی وارد عرصه‌ی جدیدی گردید.

-
1. Astrology
 2. Prophecy
 3. Prediction
 4. Prophecy
 5. Oneiromancy
 6. Pyromancy
 7. Scapulimancy
 8. Tyromancy

امروزه، آینده پژوهی در مراکز تحقیقاتی، دانشگاهی، نظامی و سیاسی گسترده‌ای همچون انجمن جهانی آینده مطالعه می‌شود و از قالب‌های کهن و غیرعلمی گذشته فاصله گرفته و به مجموعه‌ی گسترده‌ای از روش‌های نظام‌مند همچون پیمایش‌های دلفی^۱، تحلیل روند، پانل‌های خبرگان^۲، طراحی سناریو^۳ و ... تبدیل شده است.

تعریف آینده‌پژوهی

تاکنون برای آینده‌پژوهی و مفهوم آن تعاریف گوناگونی ارائه شده که در اینجا به دو تعریف جامع و مهم از میان آنها اکتفا می‌شود:

تعریف جامعه‌شناختی و ندل بل

آینده‌پژوهی، بخشی از اومانیزم یا انسان‌گرایی^۴ مدرن است که هم فلسفی است و هم علمی و ماهیتاً سکولار^۵ است. آینده‌پژوهان یعنی فعالان حوزه‌ی مطالعات آینده تلاش می‌کنند تا از آینده رمزگشایی کنند، روش‌های خود را شفاف سازند، نظام‌مند و عقلایی عمل کنند و نتایج مطالعاتشان را بر مشاهدات تجربی واقعیت بنا نهند... ایشان هم چنین از خلاقیت و شهود خویش نیز بهره می‌برند (Bell, 2003).

تعریف معرفت‌شناختی سهیل عنایت الله

آینده‌پژوهی بررسی نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح^۶، جهان‌بینی‌ها و پشته‌های اساطیری هر آینده است. آینده‌پژوهی از دیرباز مشتمل بر بررسی نیروهای بیرونی و تأثیرگذار بر آینده - طالع‌بینی و پیش‌گویی - بوده که بعدها به سمت مطالعات ساختاری (الگوهای تاریخی تغییر؛ ظهور و سقوط ملت‌ها و نظام‌ها) و عاملیت انسانی (مطالعه و خلق تصاویر مرجح مربوط به آینده) حرکت کرده است (عنایت الله، ۲۰۰۷).

با توجه به اهداف و جهت‌گیری‌های موجود در عرصه‌ی آینده‌پژوهی، می‌توان تعریف زیر را به عنوان تعریف مختار و پیشنهادی از مفهوم آینده‌پژوهی ارائه نمود:

آینده‌پژوهی در مفهوم نوین خود، دانش - فناوری نوپدید است که با هدف پیش‌بینی و خلق مطلوب‌ترین آینده‌های ممکن، از مجموعه‌ی وسیعی از ابزارها و روش‌های علمی و حتی هنری بهره می‌برد. تبیین این که تغییر یا تغییرات امروز بر واقعیت فردا چگونه تأثیر خواهد گذاشت بازتابی از فعالیت‌های آینده‌پژوهانه است.

-
1. Delphi surveys
 2. Expert panels
 3. Scenario planning
 4. Humanism
 5. secular
 6. Possible, Probable and Preferable Futures

ویژگی‌های آینده‌پژوهی

از میان ویژگی‌های اصلی تفکر آینده‌نگر که می‌توان در تبیین آموزه‌های مهدویت از آنها بهره گرفت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مشارکتی، هنجاری، پویا و مبتنی بر اجماع خبرگان
۲. تلاش در ارائه‌ی الگوها، مدل‌ها و سناریوهای آینده
۳. جامعیت، نگاه جهانشمول و کلان‌نگری و در بر گرفتن موضوعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ...
۴. اهمیت دادن به اقدامات فردی یا جمعی بشری به عنوان عامل محرک روندها
۵. تلاش برای فهم ممکنات و امور امکان‌پذیر (آینده‌های ممکن)، امور احتمال‌پذیر (آینده‌های محتمل) و مرجحات (آینده‌های مطلوب).
۶. تلاش در درک بهتر و شفاف از تصاویر آینده (بل، ۲۰۰۳)

نظام جامع فکری و فلسفی مهدویت

بر اساس نگاه شیعه، تفکر مرتبط با ظهور انسان کامل و آخرین ذخیره الهی، دربرگیرنده یک نظام فکری متعالی است که آن را با عنوان مهدویت می‌شناسیم. شیعه در نگاه بنیادین خود بر این باور است که موعود امم و انسان کامل که به حسب ظاهر از نظرها غایب است، وجودش همچنان منشأ خیر و برکت برای جهان و ساکنان آن است. این نظام متعالی دربردارنده‌ی اصول و معرفت‌هایی بسیار غنی است. روایات مهدویت به ویژه آنچه در نهج‌البلاغه و بحث ملاحم و پیش‌گویی‌ها وجود دارد توأم با حکمت‌ها و معرفت‌هایی متعالی برای جامعه بشری است.

گونه‌شناسی روایات مهدویت

در ادامه، لازم است تا نگاهی بر ساختار و شاکله‌ی مباحث مهدویت و آنچه که در بررسی مهدویت مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد داشته باشیم. پرواضح است که ابتدای مباحث مهدویت بر پشتوانه‌ی قرآنی و مأثور یا به تعبیر بهتر بر آیات کریمه‌ی قرآن و روایات صحیح رسیده از معصومان بزرگوار استوار است و به طور طبیعی می‌توان دریافت که پیش‌نیاز و مقدمه‌ی هرگونه پژوهش در این راستا دسته‌بندی تحلیلی آیات و روایات مهدویت است تا بتوان ارتباط منطقی‌تری میان مهدویت و آینده‌پژوهی برقرار نمود. از این رو، یکی از مبادی مهم پژوهش در این قلمرو، گونه‌شناسی روایات مهدویت است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که روایات مهدویت از چهار جهت آینده را ترسیم می‌کنند:

۱. شرایط، نشانه ها و زمینه های ظهور
 ۲. حوادث پس از ظهور
 ۳. دولت پس از ظهور (اهداف و ماموریت های آن)
 ۴. وظایف مؤمنان منتظر
- ابعاد فوق در ادامه مباحث به شکل تحلیلی مورد بررسی قرار می گیرند.

تحلیل کارکردهای آینده پژوهی در تبیین آموزه های مهدویت

بنابر مقدمات پیشین، می توان برای درک و فهم آموزه های بنیادین و آسمانی مهدویت، از کارکردها و اصول منطقی و عقلایی آینده پژوهی کمک گرفت. از این رو، آنچه که در پی می آید تحلیلی است بر کارکردهای آینده پژوهانه ی آموزه های مهدویت:

کارکرد معرفت شناختی^۱

یکی از ابعاد یا اضلاع شناخت علوم در رویکردهای نوین به علم، بررسی مبانی معرفت شناختی آنهاست. آینده پژوهی نیز به مقتضای مبانی معرفت شناختی و مطالعه آینده های ممکن، محتمل و مرجح، دربرگیرنده رویکردهایی بنیادین نسبت به موضوع مورد بررسی خود یا همان مولفه آینده می باشد. با این نگاه، وجود رویکردهای اکتشافی^۲ و تصویرپردازانه^۳ در آینده پژوهی موضوعیت بسیار مهمی در فهم اندیشه آرمان شهر مهدوی دارد زیرا با نگاه آینده پژوهانه به اقسام روایاتی که در باب شرایط و علائم زمان ظهور وجود دارد فهم جامعی از این روایات به دست می آید به ترتیب زیر:

رویکرد اکتشافی^۴

مجموعه ی احادیثی که پیرامون شرایط، نشانه ها و زمینه های ظهور از سوی امامان معصوم (ع) صادر شده اند را می توان ناظر بر رویکرد اکتشافی دانست. توضیح این که رویکرد اکتشافی متمرکز بر آینده های باورپذیر بوده و شکل گیری رویدادهای باورپذیر آینده نیز تابع یک سری قوانین و سنت های طبیعی و محتوم است که در پرتو روابط علت و معلولی و با پی گیری روندها و رویدادهای گذشته تا حال می توان خط سیر آنها را تا آینده تعقیب نمود. آینده پژوهان بر مبنای رویکرد اکتشافی و برحسب محاسبات عقلی و علمی تلاش می کنند تا پیش بینی کنند که در آینده چه رویدادهایی قابلیت تحقق داشته و چه رویدادهایی تأثیرگذار بر آینده خواهند بود. بر این

1. Epistemological
2. Exploratory
3. Imaginary
4. Exploratory

اساس، اخباری که حاکی از وقوع رویدادی مهم در آینده هستند ناظر بر زنجیره علت و معلولی رویدادها هستند و مذاقه و تمرکز بر آنها کاشفیت از رویدادی مهم در آینده دارد. به عنوان نمونه در حدیثی معتبر امام صادق (ع) نقل گردیده که فرمودند:

خمس علامات قبل قیام القائم: الصیحه و السفیانی و الخسف و قتل نفس الزکیه و الیمانی. پیش از ظهور قائم (ع) پنج نشانه محقق می‌شود: صیحه‌ی آسمانی، خروج سفیانی، فرورفتگی در بیداء (مکانی نزدیک مکه)، کشته شدن نفس زکیه و خروج یمانی (روضه کافی، ص ۲۴۵، ح ۴۸۳).

همان گونه در روایت بالا مشاهده می‌شود پنج عامل به عنوان شرایط و مقدمات ظهور مطرح شده به گونه‌ای که وقوع هر کدام می‌توان دلیل یا راهنمای منحصر به فردی در جهت نزدیک‌تر شدن به دوران ظهور و کشف شرایط مختص به آن دوران باشد. بدین ترتیب، چنین اخباری مسیر روندهای حال و آینده را برجسته‌تر می‌سازند. پس می‌توان نتیجه گرفت که امامان بزرگوار شیعه با بیان چنین روایاتی توانسته‌اند اذهان شیعیان را پیشاپیش متوجه رویدادهای تاثیرگذار بر آینده نمایند تا در زمان وقوع چنین شرایطی، زمینه برای آمادگی و سازندگی مطلوب‌تر آنها فراهم گردد.

در همین راستا، بخشی از روایاتی که به پیش‌گویی‌های ائمه پیرامون رویدادهای آینده اختصاص دارند و اخبار ملاحم و فتن نام دارند مرتبط با رویکرد اکتشافی بوده که با تحلیل این روایات می‌توان برداشتی اکتشافی از اخبار ظهور به دست آورد نظیر این روایت از امام علی (ع):

گویی قومی را می‌بینم که از مشرق قیام کرده‌اند، حق را می‌طلبند اما به آنها داده نمی‌شود اما از پای نمی‌نشینند از این رو سلاح به دست می‌گیرند. در نتیجه آنچه که می‌خواستند به آنها داده می‌شود و آنها نمی‌پذیرند تا آنکه قیام می‌کنند و حکومت را فقط به صاحب شما تحویل می‌دهند. کشته‌شدگان آنها، شهیدانند و اگر من آن زمان را درک می‌کردم، وجودم را وقف صاحب این امر می‌کردم. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳)

خطبه‌های ۱۰۰، ۱۳۸، ۱۵۰، ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۹۵ و حکمت‌های ۱۴۷ و ۲۵۹ نمونه‌هایی از اخبار قطعی آخرالزمان است.

رویکرد تصویرپردازانه^۱

رویکرد تصویرپردازانه‌ی آینده‌پژوهی سازگاری و پیوند عمیقی با روایات مرتبط با مهدویت دارد زیرا آرمان حقیقی بشر و چشم‌انداز برتری که در پهنه‌ی هستی می‌تواند محقق شود در اینجا ترسیم می‌شود. آینده‌پژوهی تصویرپردازانه رکن مهمی از آینده‌پژوهی است که با خلق

آینده‌های مرجح و چشم‌اندازهای برتر سروکار دارد. به علاوه تحقق جامعه‌ی پایدار و رفاه بشری یکی از اهداف بنیادین بشری است. هویلی^۱ به نقل از ادوارد کورنیش^۲ - از آینده‌پژوهان برجسته و مؤسس انجمن جهانی آینده - به سه هدف مهم آینده‌پژوهی اشاره می‌کند که یکی از آن‌ها همین موضوع است:

آینده‌پژوهی، متعالی‌ترین اندیشه‌ها و مهارت‌ها را برای افزایش سهم بشریت از حیات در اختیار دارد. ترسیم فضایی که در آن انسان‌ها به خوبی تغذیه می‌شوند، لباس‌های فاخر می‌پوشند، از امکانات تحصیلی خوبی برخوردارند و محیط زندگی‌شان سرشار از امنیت و رفاه اجتماعی است، نمونه‌هایی از این دست اندیشه‌های متعالی است (هویلی، ۱۹۹۵).

آینده‌پژوهان و نیز رهبران بزرگ به مقتضای این رویکرد، پیشاپیش آرمان‌های مطلوب مورد انتظار خویش را در ذهن خود ترسیم و تصویر می‌کنند. آن‌گاه افراد و جوامع را به سوی آن سوق داده و موجب حرکت‌های اجتماعی سازنده می‌گردند. در مقوله روایاتی که پیرامون دولت پس از ظهور، اهداف و ماموریت‌های آن وجود دارد به خوبی می‌توان دریافت که امامان بزرگوار و معصوم ما زیباترین تصویر ممکن از آینده را به تصویر کشیده‌اند و جامعه مسلمانان را برای تمامی اعصار و زمان‌ها به سوی آن راهبری نموده‌اند. در این زمینه می‌توان به روایاتی از این دست اشاره نمود که رسول اکرم (ص) فرمودند:

و یبلغ سلطانه المشرق و المغرب یعنی سلطنت مهدی (عج) شرق و غرب عالم را در بر خواهد گرفت. (کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱).

همان گونه که مشاهده می‌شود نوید برپایی دولت یا حکومت مطلوب اسلام که مطلوب تمامی ابنای بشر بوده و هست در این سنخ روایات به عنوان مطلوب‌ترین تصویر آینده به خوبی ترسیم شده تا جهان در رسیدن به این آینده و محقق ساختن چنین دولت ارزشمند و مطلوبی از حرکت سازنده خویش غافل نماند.

کارکرد روش‌شناختی^۳

آینده‌پژوهی عرفی به پیروی از علوم طبیعی و انسانی در کمی و کیفی‌سازی روش‌های پژوهش، از سه مؤلفه یا ابزار تجربه، عقل و (در مواردی از) شهود^۴ بهره می‌گیرد. همان گونه که می‌دانیم ابزار علوم تجربی، تجربه و ابزار فلاسفه عقل و منطق است و این دو ابزار در آینده‌اندیشی و به ویژه روش‌هایی که مبتنی بر اجماع خبرگان و پیمایش‌های کمی هستند حضوری جدی دارند، زیرا خبرگان از آن رو اهمیت دارند که حامل تجربیات گسترده‌ای در زمینه علمی و مورد

1. Hoyle

2. Edward Cornish

3. Methodological

4. intuition

تخصص خود هستند و تفکر فلسفی نیز جنبه‌ی نرم و یا بعد کیفی آینده‌پژوهی است که با ابزار خرد و تفهّم بشری سروکار دارد. مؤلفه یا ابزار اشراق و شهود نیز در روش‌های کیفی به ویژه روش‌هایی که مبتنی بر خلاقیت و ژرفاندیشی به منظور بهره‌گیری از ضمیر ناخودآگاه بشری هستند کاربرد دارند. روش‌های آینده‌پژوهی مبتنی بر درک و فهم عقلایی و شهودی از فضا و مختصات زمان آینده برای مدیریت فاعلانه بر آن است.

با این مقدمه باید گفت که روش‌های آینده‌پژوهی همچون سناریوپردازی، نقشه راه و طراحی چشم‌انداز از جمله روش‌هایی هستند که در فرایند درک و فهم بهتر آموزه‌های ناب مهدوی می‌توانند نقش موثری ایفا کنند. بنابراین، به عنوان شواهدی بر کارکرد روش‌شناختی آینده‌پژوهی به یکی از آنها اشاره می‌شود:

روش سناریوپردازی. در این روش، تصاویری از آینده‌های محتمل ترسیم و به جامعه معرفی می‌شود. وظیفه خبرگان و مردم این است که از هر جهت برای رویایی با هر کدام از این احتمالات یا بدیل‌های محتمل آینده آمادگی لازم را کسب نمایند تا در صورت مواجهه با هر کدام از این آینده‌های احتمالی، از مخاطرات و پیشامدهای همراه آن غافل نباشند و آمادگی دفع آنها و غلبه بر آنها را داشته باشند. افزون بر این، باید پیشران‌ها یا حوادثی که محرک وقوع هر کدام از این احتمالات خواهد بود نیز مورد شناسایی قرار گیرد. این روش در قلمرو مهدویت از این کارایی برخوردار است بدین صورت که با استناد به روایات صحیح رسیده از معصومان و استفاده از تکنیک پس‌نگری، می‌توان گام‌ها و مسیرهای رسیدن به حال را از سوی آن سناریو یا آینده مطلوب ترسیم نمود. لازم به ذکر است که پس‌نگری به عنوان یکی از تکنیک‌های سناریوپردازی، شیوه‌ای از پیش‌بینی یا برنامه‌ریزی بلندمدت است که در آن یک رویداد در آینده قطعی و مسلّم تلقی شده، سپس این سؤال مطرح می‌شود که آن رویداد چگونه به زمان حال منتهی می‌شود.

کارکرد هستی‌شناختی^۱

بنابر دیدگاه هستی‌شناسی، توصیفات گوناگونی از آینده‌پژوهی و ابعاد تشکیل دهنده آن ارائه شده که از آن میان دیدگاه آینده‌پژوه برجسته - جیمز دیتور^۲ - جامع‌ترین توصیف هستی‌شناختی از ابعاد آینده‌پژوهی است. دیتور بر این باور است که آینده از برهم‌کنش یا تعامل چهار مؤلفه‌ی رویداد، روند، کنش و تصویر شکل می‌گیرد (دیتور، ۱۹۹۶). به اعتقاد او و دیگر آینده‌پژوهان برجسته، دو مؤلفه‌ی آخر ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند، زیرا مردم اقدامات خود را بر مبنای تصاویری که از آینده دارند انجام می‌دهند. در واقع "یکی از ماموریت‌های آینده‌پژوهی این است که به مردم کمک کند تا تصویرها و اقدامات خود را از محدوده‌ی

1. Ontological
2. James Dator

کوشش‌های منفعلانه فراتر برده و بکوشند تا آینده را پیش‌نگری نموده و آنگاه بر مبنای این پیش‌نگری‌ها طرح‌های عملی خود را پیش ببرند" (دیتور، ۱۹۹۶). به همین دلیل آینده‌پژوهی را علم اقدام^۱ نامیده‌اند؛ علمی که متضمن اقدام یا کنش آگاه و پیش‌دستانه به منظور مدیریت عاملانه و فاعلانه بر آینده است.

در نامه‌ای که از امام عصر(ع) رسیده، ایشان به یکی از زمینه‌ها و بسترهای مهم معنوی که در واقع کنش یا اقدامی زمینه‌ساز در جهت نزدیکی و تقرب به آن حضرت بوده اشاره می‌فرمایند و آثار اعمال شایسته و کنش‌های ارزشمند را بر می‌شمرند و تصویری مطلوب از پیامدهای عمل به این دستورها را متذکر می‌شوند:

لو ان اشیاعنا و فقههم الله لطاعته علی اجتماع من القلوب فی الوفا بالعهد علیهم لما تاخر عنهم الیمن بلقائنا ولتعجلت لهم السعاده بمشاهدتنا علی حق المعرفه وصدقها منهم بنافما یحبسنا عنهم الا ما یتصل بنا مما نکرهه و لانوثره منهم.

اگر شیعیان ما که خداوند بر انجام طاعت خویش موفقشان گرداند، در عمل به پیمانی که بر عهده دارند همدل می‌شدند، افتخار دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیبشان می‌شد، دیداری همراه با شناخت حقیقی و صداقت آنان نسبت به ما؛ و آنچه ما را از شیعیان دور نگه می‌دارد، کردارهایی از ایشان است که به ما می‌رسد و برای ما ناخوشایند و دوراز انتظار است (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷).

همان گونه که در این روایت مشاهده می‌شود، یکی از ابعاد تشکیل دهنده و سازنده آینده که همان اقدام یا کنش شایسته از سوی موالیان امام(ع) است که در این روایت عبارت است از عمل به پیمان معهود الهی که مورد توصیه حضرت است.

بر اساس دیدگاه هستی‌شناختی به اخبار مهدویت، جمیع روایات مرتبط با آرمان‌شهر مهدوی که سخن از دوران پس از ظهور و برپایی حکومت جهانی حضرت در آینده‌ای قطعی می‌دهند، با مولفه آینده‌پژوهانه تصویر در ارتباطند و به نوعی تصویرسازی از آن دوران آرمانی حکومت صالحان بر روی زمین را نوید می‌دهند. بنابر این دیدگاه، آنچه که امروزه با عنوان جهانی شدن یا جهانی سازی از آن یاد می‌شود به لحاظ هستی‌شناختی ماهیتی مغایر با آرمان بزرگ اسلام و بشریت قلمداد می‌شود زیرا در منطق دنیای امروز جهانی‌شدن به مثابه یک پروژه یا پروژه (فرایند) به حساب می‌آید، پروژه‌ای تحت هدایت گروهی اندک و یا پروسه‌ای به شکل یک حرکت طبیعی به سمت تحقق منافع عده‌ای یا جامعه‌ای خاص. اما نگاه هستی‌شناختی اسلام به مقوله جهانی شدن عبارت است از یک حرکت محتوم الهی به سوی آینده‌ای مطلوب و سرشار از مساوات و عدالت برای تمامی ابنای بشر نه حرکت به سمت سلطه و انتفاع گروهی

خاص. در این منطق، جهانی سازی نیز عبارت است از تلاش و اقدام آگاهانه جهت تحقق وعده قطعی الهی در برپایی حکومت عدل صالحان و پاکان بر روی زمین.

کارکرد ارزش‌شناختی^۱

بنابر کارکرد ارزش‌شناختی، یکی از مولفه‌های ارزشی و مورد تاکید در تفکر آینده‌نگر، مفهوم آمادگی و هشیاری نسبت به آینده به منظور غافل نماندن از آینده و رویدادهای محتمل همراه با آن می‌باشد. کارکرد ارزش‌شناختی آینده‌پژوهی ناظر بر برجسته‌سازی معیارهای اخلاقی در مواجهه با آینده است. به عنوان مثال یکی از مفروضات مهم آینده‌پژوهی توجه به رفاه و آسایش نسل‌های آینده در برنامه‌ریزی‌های زمان حال است، بدین شکل که در استفاده از ذخایر موجود توجه به حقوق آیندگان در بهره‌برداری از این ذخایر و منابع شدیداً از اهمیت برخوردار است.

براین مبنا و با اتخاذ چنین نگاهی به آموزه‌های مهدوی، می‌توان به فهم آن دسته از روایاتی پرداخت که از فضایل و ارزش‌های اخلاقی مورد توجه و توصیه در اخبار مهدوی سخن می‌گویند. به عنوان مثال، یکی از محورهای مورد تاکید در این روایات، مساله انتظار است. از نگاه ارزش‌شناختی، بخش مهمی از اخبار و آثار مهدوی پیرامون فضیلت انتظار، حرکت سازنده، وظایف منتظران (برای حال و آینده) و مفاهیمی از این دست سخن می‌گویند و رویکرد ارزش‌گرایانه آن تماماً در جهت ایجاد آمادگی و تهیاً برای آینده است. این بخش از روایات، انتظار را در مفهوم فاعلیت و عاملیت مسلمانان و دوری از انزوا و رفتار انفعالی ترسیم می‌کنند؛ انتظاری که همراه با کنش^۲ و کشش^۳ آگاهانه به سوی اهداف متعالی دین است. روایات برای انتظار، آثار، فواید، پیامدها و درس‌های بی‌شماری را مترتب ساخته‌اند و نشان می‌دهند که موضوع انتظار در اسلام نه تنها به عنوان یک راهبرد متعالی فضیلت دارد، بلکه بر تمامی برنامه های کلان جامعه افضلیت دارد. در واقع، موضوع انتظار در مسیر تحقق آینده به تنهایی موضوعیت داشته و راهبرد اساسی در تحقق آرمان‌شهر مهدوی توجه به ابعاد گسترده و عمیق مفهوم انتظار است. از این‌رو، از سوی امامان معصوم، تعبیر فراوانی هم‌چون افضل‌الاعمال (بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۲۲) یا من‌افضل‌العباده (بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۵) یا افضل‌الجهاد (بحار الانوار ج ۷۷ ص ۱۴۳) برای انتظار فرج صادر شده که مجموعه‌ی این تعبیر با نگاه آینده‌اندیشانه دلالت بر توصیه به یک راهبرد مهم و حیاتی می‌کنند و آن، تصور، تجسم یا احساس زندگی در دوران فرج است. به طور خلاصه، روایات انتظار دربردارنده‌ی پیام‌های آینده‌پژوهانه‌ی بنیادین زیر هستند و به این دلیل اهمیت دارند که تفکر انفعالی و ایستا و نیز

1. axiologic

2. action

3. tension

انتظار برای فراگیر شدن معاصی را منتفی ساخته و انتظار پویا، آینده‌نگر و هویت بخش را به ارمغان می‌آورند:

- تأکید بر نگاه و توجه دائمی به دوران ظهور نه منتظر ماندن برای رسیدن آن دوران. هم از این روست که در تعبیر امامان، انتظار فرج را جزئی از فرج دانسته اند. (کتاب الغیبه، ص ۲۷۶)
- پویایی و حرکت
- مدیریت بر عصر انتظار و لوازم آن همچون پرهیز از پیش‌گویی (زمان ظهور) که در روایات از آن نهی شده
- توجه به اقدامات جمعی آینده‌نگر یا پیشران‌های تحقق ظهور دولت مهدوی
- تعیین شاخص‌های نزدیک شدن به عصر ظهور.

کارکرد نشانه‌شناختی^۱ آینده‌پژوهی

در راستای برنامه‌ها و روش‌های آینده‌پروی برای ترسیم سناریوها و تصاویر آینده نمی‌توان از رویدادهای تأثیرگذار بر آینده یا همان پیشران‌ها^۲ و نیز علائم ضعیف^۳ تغییر غافل شد. در واقع یکی از کانون‌های توجه آینده‌پژوهی موضوع پیشران‌ها و نحوه‌ی تأثیرگذاری آن‌ها بر آینده و نیز علائم ضعیف تغییر است. علائم حتمی یا غیر حتمی ظهور که پیش‌زمینه‌ی عصر ظهور هستند را از جهاتی می‌توان پیشران تحقق آرمان‌شهر مهدوی و از جهاتی علائم ضعیف تغییر به سوی تحقق جامعه‌ی آرمانی ظهور قلمداد نمود زیرا روایات بر این نکته تأکید می‌کنند که مشاهده‌ی علائم ظهور دلالت بر نزدیک‌تر شدن به آن آینده‌ی حتمی است و از تطبیق عالمانه اخبار صحیح‌السند با علائم مشاهدتی، زمینه بر درک و فهم آینده و آمادگی هرچه بیش‌تر برای رسیدن به آن فراهم می‌شود. از این رو، به زبان آینده‌پژوهی توجه به علائم ضعیف تغییرات همان علائم ظهور به زبان مهدویت محسوب می‌شود.

نکته‌ی مورد اهمیت و اشتراک در هردو حوزه، آمادگی برای رویارویی با تحولات فرارو و رصد تغییرات است. آموزه‌های آینده‌پژوهی بر پایش^۴ و پوشش^۵ تغییرات صحنه می‌نهند؛ روایات نیز مفهوم تهیاً و آمادگی را مورد توجه فراوان قرار می‌دهند و معصومان بزرگوار ما همواره پیروان خود را توصیه به آمادگی و انتظار کرده‌اند؛ آمادگی برای غافل نماندن از هر علامت ضعیفی از تغییر، غافل نماندن از رویدادی شگفت‌انگیز که احتمال وقوعش به ظاهر کم است اما

-
1. Semiotic
 2. Drivers
 3. Weak Signals
 4. Scanning
 5. Scimming

تاثیراتش غیرقابل پیش‌بینی. کارکرد نشانه‌شناسی ارائه یک مکانیزم یا سازوکار هشدار سریع و به‌هنگام برای مواجهه با آینده و رویدادهای محتمل آن است.

در نوع روایاتی که از ائمه (ع) نسبت به علائم حتمیه صادر شده است، تاکید بر این بوده که نباید نسبت به علائم حتمیه و پیش‌رآن‌های ظهور بی‌توجه و غافل بود. به عنوان نمونه، تاکید بر ناگهانی بودن بانگ سفیانی، مؤید این نکته است که آخرالزمان نشانه‌هایی دارد که باید آنها را شناخت و آگاهی عمیق نسبت به آنها پیدا نمود. باید به میزان کافی نسبت به رویدادهای محتمل آینده و پیش‌زمینه‌ها و علایم پیش از وقوعشان حساس بود. بنابراین، یکی از مزایای اتخاذ چنین رویکردی، ایجاد حس تعهد نسبت به آینده و فرصت‌ها و مخاطرات آن خواهد بود.

درواقع هشدار ائمه (ع) در چنین روایاتی، ناظر بر موارد زیر است:

● لزوم استقرار و ایجاد یک سیستم یا نظام آمادگی برای رویارویی با رویدادها و مخاطرات آینده

● ضرورت ایجاد مقاومت

● غافلگیر نشدن در مواجهه با مخاطرات آینده

● آماده شدن برای ظهور و بستر سازی برای آن

نکته‌ی دیگر این که بشارت امام (ع) در این روایت نسبت به آن گشایش بزرگ پس از قضیه‌ی سفیانی می‌تواند محرکی قوی برای پیروانشان در بسترسازی امر ظهور باشد.

نتیجه‌گیری

آینده‌پژوهی به عنوان شاخه‌ای جدید از علوم نظری جدید، مختصات معرفت یا دانشی جامعی را داراست که تا امروز مسیرهای تکاملی ویژه‌ای را طی کرده است و ویژگی مهمی که آن را برجسته می‌سازد ابعاد روش‌شناختی، هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی و نشانه‌شناختی آن است. از این رو، می‌توان به عنوان یکی از چارچوب‌های معرفتی و نظری در شناخت و اکتشاف اخبار مهدویت از آن بهره گرفت. هرچند که اخبار وحیانی مهدویت خود مستغنی از هر نوع ابزار بشری آگاهی‌رسانی هستند لکن می‌توان از نظام فکری و فلسفی و ابعاد سازگار آن با نظام مهدویت بهره گرفت تا روشنگری و ایضاح بهتر و بیشتری در ذهن مخاطبان نسبت به اخبار آرمان‌شهر مهدوی ایجاد گردد. براین اساس و بنابر آنچه گفته شد نظام معرفت‌شناختی آینده‌پژوهی متضمن مفاهیم، تکنیک‌ها، روش‌ها و ابزارهایی است که برخی از آن‌ها کاربرد مناسبی برای مطالعات گسترده به منظور فهم آموزه‌های الهی و وحیانی مهدویت دارند.

در مجموع باید گفت که درونمایه‌ی اصلی مهدویت نیز هم‌چون آینده‌پژوهی موضوع آینده است و از آن جایی که یکی از مصادیق غیب در اندیشه‌ی اسلام، موضوع آینده است در می‌یابیم که در متون دینی ما تعمّدی در تبیین ویژگی‌های جهان آخرت و آخرالزمان وجود دارد. حتی از

نقیض این گزاره نیز به اهمیت آینده‌ی مورد اشاره پی می‌بریم بدین شکل که اگر خداوند اراده‌اش بر این تعلق می‌گرفت که خبری از آینده مطرح نشود، قطعاً این کار را می‌کرد حال آن که بنابر اراده‌ی الهی، موضوع معاد که ماهیتی آینده‌نگرانه دارد یکی از ارکان اصلی و اعتقادی دین قرار گرفته شده است و همان‌گونه که مشاهده شد، بخش اعظمی از آیات و روایات به دو آینده‌ی محتوم دنیوی (مهدویت) و اخروی (معاد) اختصاص یافته است که ضرورت دارد تا به هر شکل ممکن در تبیین و ایضاح نظام آینده‌نگری اسلام تلاش عالمانه و محققانه صورت گیرد.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم
۲. آمدی، (۱۳۷۸). *غررالحکم و دررالکلم*، مترجم: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۲.
۳. ابن ابی‌زینب، (۱۳۶۶). *غیبت*، به تصحیح استاد غفّاری، ترجمه محمد جواد غفّاری، نشر صدوق، تهران.
۴. حکیمی، محمدرضا، (بهار ۱۳۸۴). *الحیاه*، ترجمه آرام احمد، ج ۱، انتشارات دلیل ما، ج ۶.
۵. شهیدی، سید جعفر، (۱۳۷۹). *ترجمه نهج البلاغه*، چاپ نوزدهم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، خطبه ۱۳۸، ص ۱۳۸.
۶. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن الحسن الطبرسی الطوسی، (۱۳۷۵). *کافی (اصول الکافی)*، ترجمه و شرح محمد باقر کمره‌ای، انتشارات اسوه، ج سوم.
۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۱۷). *بحارالانوار*، داراحیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی، لبنان.

8. Bell, Wendell. 2003. *Foundations of Futures Studies*, New Brunswick(USA) and London(UK), Transaction Publishers.

9. Hoyle, John 1995. *Leadership and Futuring: Making Visions Happen*. Thousand Oaks: Corwin Press.

10. Inayatullah, Sohail. 2007. *Questioning the Future*, Tamkang University, Taiwan.

11. Slaughter, Richard. 1996. *New Thinking for a New Millennium*. Routledge & London and New York.